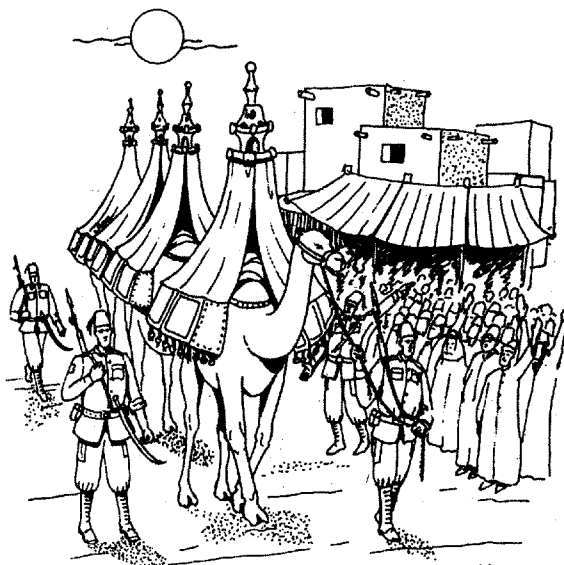


# تاریخ و رجال



# مراسم جشن ارسال پرده از مصر به کعبه معظمه



محمد الدفن - هادی انصاری

جامه می‌گفتند) پس از تنظیم، شهادت‌نامه شرعی به مسؤول کاروان حمل جامه داده می‌شد. در این شهادت‌نامه، قطعات پرده و اوصاف آن در حضور قاضی القضاة مصر و یا جانشین او و نیز امیرالحاج به ثبت می‌رسید. آنگاه تمام قطعات را در صندوق‌های چوبی که از پیش آماده می‌کردند، قرار می‌دادند و به همراه کاروان محمول به سوی مکه مکرمه به حرکت در می‌آوردند.

اکنون پیش از سخن درباره جشن حرکت کاروان حمل و جامه شریف همراه آن، نظری گذرا به کاروان محمول و چگونگی آن می‌افکنیم:

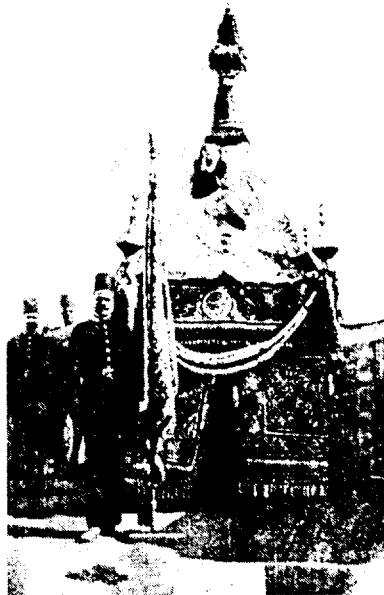
پس از آماده‌سازی جامه کعبه در مصر پیش از ارسال آن به سوی سرزمین‌های مقدس، دو جشن برپا می‌شد که در آنها بر اساس عادت، پادشاه مصر و یا شخصی به جانشینی از سوی وی شرکت می‌کرد. بدین منظور در پایان شوال هر سال، ابتدا مراسم جشنی به عنوان نمایش اجزای مختلف جامه شریف برگزار می‌شد، سپس در نیمه‌های ذی‌قعدة، مراسم جشن دیگری برای حرکت کاروان محمول و جامه از قاهره به سوی سرزمین حجاز به پا می‌گشت. در این مراسم جامه کعبه، از سوی سرپرست بافندگان (که به او مدیر کارگاه جامه و یا ناظر

## محمل

به شتری که حامل هدایای عینی و نقدی برای کعبه معظمه بود «محمل» می‌گفتند. در آن دوران، جامه را با قطعه‌ای از پارچه ساده به نام «جوخ» می‌پوشاندند. گفتنی است حرکت محمل به مکه مکرمه در هر سال، تنها از مصر انجام نمی‌گرفت، بلکه پادشاهان مسلمان و فرمانروایان آن، بدان تبرک جسته و هدایا و خزانه‌های خویش را همه‌ساله بدین وسیله به سوی حرمین شریفین گسیل می‌داشتند.

در تاریخ، از محمل «عراقی»

و «یمنی» و محمل «النظام» پادشاه حیدرآباد هند در دوران‌های اسلامی گذشته و نیز از محمل «ابن الرشید» و محمل «ابن سعود» و محمل «ابن دینار» یاد شده است. آنان ابتدا به سوی مصر می‌آمدند و در حالی که پرپرندگان و صمغ و جز این‌ها را، که از خیرات کشورشان به‌شمار می‌آمد، همراه خود می‌بردند و در آن‌جا به فروش می‌رساندند، سپس نقدینه این فروش را به همراه سایر حاجیان از مصر به صورت کاروانی به سوی حرمین شریفین به حرکت درمی‌آوردند.



به وسیله آنان، امری طبیعی در میان عرب دوران جاهلیت بود، اما حرکت محمل در هیأت کاروانی رسمی، آن هم با چنین جلال و جبروتی که پیرامون آن را خدم و حشم فراوانی دربرگیرد و آذین‌هایی را بر آن قرار دهند و طفل زن‌ها و ننی لبک‌زن‌ها همراه آن به حرکت درآیند، نمی‌تواند ارتباطی با ظهور اسلام و آغاز آن داشته باشد، بلکه قرن‌ها پس از ظهور اسلام، به هنگام دولت ایوبیان بوده و شاید حرکت کاروان «شجرة الدر» - که کجاوه را آراسته به زیباترین و مجلل‌ترین تزیین‌ها کرده بودند و خدم و حشم فراوانی پیرامون آن را دربرگرفته بود - موجب شده باشد که برخی تاریخ‌نگاران تصور کنند ظهور محمل به دوران حج‌گزاری او در سال ۶۴۵ بازمی‌گردد. و از آن پس حرکت محمل بدین صورت، در نزد پادشاهان مصر سنت شد تا آن‌جا که تزیین و آراستن آن از سالی به سال دیگر فزونی یافت و سنگینی پرده محمل به حدی رسید که شتر حامل محمل از حمل کالای دیگری ناتوان می‌شد؛ زیرا پرده محمل به همراه چهارچوب کجاوه آن، به حدود چهارده قنطار<sup>۲</sup> می‌رسید.

بدین جهت، از آن پس هدایای

تاریخ‌نگاران هر یک زمانی را به عنوان ظهور محمل یاد کرده‌اند. برخی از آنان گفته‌اند که تاریخ پیدایش آن، سال ۶۴۵ ه. ق. بوده است.

محمل همان کجاوه‌ای است که «شجرة الدر»، ملکه مصر به هنگام حج خود در آن سال، از آن استفاده کرد و پس از آن، سنتی شد که همواره پیشاپیش کاروان حاجیان به راه می‌افتاد و به علت آن که جایگاهی برای نشستن ملوک و پادشاهان بود، هیچ‌گاه کسی بر آن سوار نمی‌شد.

در مقابل، برخی دیگر معتقدند که محمل، تاریخی کهن‌تر از آن دارد و احتمالاً تاریخ آن به پیش از اسلام نیز می‌رسد؛ زیرا محمل به شتری که حامل هدایایی برای کعبه معظمه بود، اطلاق می‌گردید.<sup>۱</sup>

به سختی می‌توان زمان معینی را به عنوان تاریخ ظهور محمل یاد کرد؛ زیرا حرکت کاروان محمل، آن هم بدین صورت ساده که تنها حامل هدایای ویژه‌ای برای بیت‌العتیق باشد، امری عادی بوده که ممکن است به پیش از اسلام برگردد؛ زیرا با توجه به تقدس کعبه مشرفه در میان عرب و ارسال هدایا

مدینه منوره می‌رسید، طی جشن باشکوهی از «باب‌العنبریه» وارد شهر می‌شد و هنگام ورود، بیست و یک گلوله توپ شلیک می‌کردند. و آنگاه که به «باب‌المصری» می‌رسید. تمامی افراد کاروان به پاس احترام به مقام رسول الله ﷺ از مرکوب خود پایین آمده، با پای پیاده به سوی حرم پیامبر رهسپار می‌گردیدند. آنگاه که به «باب‌السلام» می‌رسیدند، بزرگ حرم پیش آمده، زمام شتر محمل را به دست می‌گرفت و آن را بر پله در بالا می‌برد، سپس در آن فضای گسترده، او را به زمین می‌نشانید. در این هنگام بود که محمل را از روی شتر برداشته، به جایگاه ویژه خود در حرم که در غرب منبر شریف قرار داشت می‌بردند و بر زمین می‌نهادند. از آن پس پرده زردوزی شده روی آن را برداشته، پرده سبز را جایگزین می‌کردند.

در روز خروج محمل از مدینه منوره، مجدداً پرده سبز را از روی آن برمی‌داشتند و همانند روز ورود، پرده زردوزی شده را بر روی آن می‌کشیدند.

هنگام بازگشت محمل به مصر، جشن باشکوهی به مناسبت مراجعت آن برپا می‌گردید که در این مراسم حاکم

ارسالی دیگر، در صندوق‌های ویژه‌ای قرار می‌گرفت و به وسیله دیگرشتران کاروان حمل می‌گردید.

محمل مصری دارای دو پرده بود؛ پرده روزانه که از پارچه‌ای سبز بود و دیگر پرده زردوزی شده که تنها به هنگام مراسم رسمی بر روی محمل قرار داده می‌شد.

روز خروج محمل از مصر، جشن باشکوهی به پا می‌شد و قاهره در آن روز تماشایی بود؛ زیرا سربازان سواره و پیاده و پاسداران و خدمتگزاران محمل به همراه امیرالحاج که غالباً از میان پاشاهان ارتشی برگزیده می‌شد، در پیشاپیش کاروان حرکت می‌کردند.

در این مراسم حاکم مصر - یا جانشین وی - و نیز رجال حکومتی؛ مانند وزرا و علما و بزرگانی از شخصیت‌های کشوری در قاهره شرکت می‌کردند. روزهایی که محمل در مکه بود، آن را میان «باب‌النبی» و «باب‌السلام» قرار می‌دادند و پرده سبز روزانه را به آن می‌گسترند.

این محمل به استثنای حرکت کاروان به صورت رسمی، همچنان در آن نقطه قرار داشت. هنگامی که محمل به

مصر و یا جانشین وی شرکت می‌کرد. کاروان از «عباسیه» به سوی «القلعه»، همان راهی که پیشتر از آن خارج گردیده بود، حرکت می‌کرد تا این‌که به جایگاه استقرار حاکم مصر در «مصطبه» می‌رسید. در این هنگام، حاکم زمام شتر را از دست امیرالحاج می‌گرفت و به دست مأمور سازنده جامه (مدیر کارگاه جامه‌بافی) می‌سپرد. در این لحظه، توپخانه بیست و یک گلوله توپ را شلیک می‌کرد که از آن پس مراسم جشن به پایان می‌رسید.

پرده زردوزی شده محمل در خزانه وزارتخانه‌ای که کارگاه جامه‌بافی، تابعی از آن به‌شمار می‌آمد، به ودیعت نهاده می‌شد. این پرده هر بیست سال یک‌بار تجدید و از نو ساخته می‌شد که هزینه آن (سال ۱۳۲۸ ه. ق. / ۱۹۱۰ م) به هزار و پانصد جنیه مصری می‌رسید.

اما پرده سبز روزانه محمل، همواره در طول سال بر روی آن و در کنار قبر عارف الهی شیخ یونس سعدی در «باب‌النصر» قرار داده می‌شد. گفته‌اند که نامبرده در طول دوران زندگی خویش در خدمت کاروان محمل بوده است. محمل همواره در دوران‌های

گونگون و از مقام و مرتبتی بس ویژه در نزد دولت مصر برخوردار بود. تا آن‌جا که مقام امیر آن از میان مقام‌های دولتی، رتبه سوم را داشت. در دوران ممالیک، امیر کاروان محمل نامزد پست حاکم (= استاندار) پایتخت بوده که این رتبه و مقام یکی از مهم‌ترین جایگاه‌های دولتی پس از والی و سلطان را به همراه داشته است. این شخص دارای مقامی مقرب و شخصیتی محترم و سخنی نافذ بوده که حقوق او مادام‌العمر و تولیت او در این مقام تنها به فرمان سلطان صادر می‌شد.

امیرالحاج همواره دارای مقامی والا و سخنی نافذ در سرزمین حجاز بوده و چه‌بسیار از امرای مکه به دستور آنان، از پست خود عزل می‌شدند. پادشاهان مصر در دوران ممالیک عنایت و توجه خویش نسبت به محمل را به حدی افزایش داده بودند که این افراط‌گرایی آنان را از مسیر اخلاقی و مروت خارج می‌ساخت و به کارهای ناشایستی دست می‌زدند؛ اعمالی که نمی‌توان آن را با دین سازگار دانست. آن‌ها به حکام و فرمانروایانی که محمل از سرزمین آنان عبور می‌کرد، فرمان داده بودند که به هنگام استقبال پای شتر محمل را بوسند!



شیرینی جات ارسالی برای ساکنان حرمین شریفین به عهده او بود. این سنت در اوایل قرن چهاردهم هجری تغییر داده شد و از آن پس این گونه کمک‌ها به صورت نقدی در اختیار افراد قرار داده می‌شد.

همچنین کارمندی به عنوان «مأمور ذخیره» با کاروان همراه می‌شد تا در موارد ضروری و برخلاف مقررات ویژه کاروان، مبالغی را با نظر خود در میان حاجیان صرف کند. و نیز شخص دیگری در میان کاروان محمل وجود داشت که بدان «بزرگ شتربانان» می‌گفتند و همچنین شخص دیگری بود که نام «ابوالقطط»<sup>۳</sup> را بر خود داشت و فردی به عنوان نظم‌دهنده کاروان در پیشاپیش آن حرکت می‌کرد. و بالاخره شخصی به عنوان راهنمای از راه‌افتادگان و بیماران با کاروان همراه می‌شد.

بزرگ شتربانان، وظیفه خرید شترهای مورد نیاز محمل را داشت. او خود سوار بر شتری در پشت شتر محمل به حرکت درمی‌آمد و نظارت بر حرکت صحیح و منظم کاروان را به عهده داشت. و می‌گویند دومی مسئولیت تغذیه گربه‌ها را در طول مسیر حرکت کاروان از

که در این میان، امرای مکه نیز از این فرمان مستثنی نبودند. تا این که سلطان چقمق در سال ۸۳۴ ه. ق. این فرمان را لغو کرد. همچنین آنان در جشن خروج و بازگشت محمل مبالغه کرده، به هنگام بازگشت آن، حوض‌های بزرگی را پر از آب و شکر می‌کردند و آن را با شادمانی و خوشحالی در آهنگ جشنی باشکوه، به مدت سه شبانه‌روز در اختیار مردم قرار می‌دادند.

این عادت کهن، تا پیش از توقف ارسال محمل همچنان ادامه داشت. کاروان محمل در هنگام سفر - علاوه بر کارمندان رسمی خویش؛ مانند امیرالحاج و خزانه‌دار و منشی‌های مخصوص و صرافان - تعداد فراوانی از سربازان محافظ سلاح به دست و نیز بسیاری از خدم و حشم و باربندان و ساربانان و طبالان و نجارها و خدمت‌کاران و چاربندها و سقایان را به همراه خود داشت.

یکی از مسؤولیت‌ها در کاروان محمل این بود که کسی را به عنوان «امین جامه» برمی‌گزیدند و او شیرینی جات و جز این‌ها را در اختیار خویش داشت و نیز مسؤولیت تقسیم و توزیع پوشاک و

خشکی به عهده داشته است. همچنین گفته‌اند که نام او بدین اسم بوده اما وظیفه و مسؤولیت راهنمایی کاروان را داشته و در پیشاپیش کاروان به حرکت درمی‌آمده است. گویند این مسؤولیت از دوران سفر «شجره‌الدرّ» به وجود آمده است. سوّمی به‌عنوان رییس کارگران روشنائی (= زنبورکچی‌ها) و باربندان بود که به‌هنگام اجرای فرمانی مهم، این گروه بدون نظم و با سروصدای فراوان، اجرای فرمان می‌کردند. و بالاخره چهارمی به بیماران و تنگدستان از حاجیان میانه راه رسیدگی می‌کرد. نامبرده، به افرادی که گاه در اثر بیماری و یا تنگدستی از ادامه راه باز می‌ماندند، کمک و مساعدت می‌کرد. وظیفه‌ها و مسؤولیت‌های یادشده همگی به وسیله فرمان‌های ویژه‌ای که برخی از سوی مقام سلطنت و خلافت و برخی دیگر به وسیله فرمانروایان مصر بود، صادر می‌گردید. این گروه از قدیم دارای حقوق تعیین شده‌ای در دفاتر حکومتی مصر بوده‌اند. در دوران اخیر، دیگر نیازی به بسیاری از آن سمت‌ها و مسؤولیت‌ها نبود همچنان‌که وظیفه خزانه‌داری نیز از میان برداشته شد و شخصی از منشی‌های

اداره مالیه (= دارایی) مسؤولیت این مهم را به عهده می‌گرفت.

کاروان محمل در این مأموریت، از بیست شتر تشکیل می‌شد که دارای استراحت‌گاهی به نام «بولاق» در کنار مزار شیخی به نام «سیدی سعید» بود. دولت در زمان قدیم، افزون بر شتران یاد شده، شتر دیگری را همه ساله جهت قربانی می‌خرید که در این حال شتربانان پیش از حرکت کاروان حج، شتر یاد شده را می‌آوردند و در حالی که بزرگی شتربانان بر روی آن سوار می‌شد، همگی به همراه باربندان و زنبورکچی‌ها و در پیشاپیش آنان، گروه طبّالان (شادی‌آفرینان) با سر و صدا و غوغای فراوان حرکت می‌کردند و در خیابان‌های قاهره به گردش درمی‌آمدند. سپس به سوی مزار «سیدی سعید» آمده و شتر را در آن مکان قربانی می‌کردند. مأموران کجاوه یک چهارم آن را و شتربانان ربع دیگر و نوکران بارگاه شیخ سعید، ربع سوم و نوکران مزار شیخ یونس ربع باقی‌مانده را از آن خود می‌کردند. در این حال افراد یادشده گوشت قربانی را به‌عنوان تبرک به مردم می‌فروختند و ادعا می‌کردند که این گوشت درمانی برای



بسنابه گفته مقریزی در کتاب «الذخائر والتحف» این گونه است:

«هزینه سفر محمل در موسم هر سال، برابر با یکصد و بیست هزار دینار بود و در این میان تنها هزینه شیرینی جات و شمع به (معادل) ده هزار دینار در هر سال می‌رسید. همچنین هزینه رسیدن کاروان به حرم برابر با چهل هزار دینار و هزینه پشتیبانی و صدقات و دستمزد کرایه شترها و سربازان همراه و امیرالحاج و خدمت‌گزاران کاروان و نیز حفر چاه‌ها و جز این‌ها معادل شصت هزار دینار بود. این هزینه در دوران وزیر «بازوری» به دویست هزار دینار افزایش یافت، که در آن هنگام این مقدار هزینه سالانه موسم، در هیچ‌یک از حکومت‌ها سابقه نداشته است.»

مقریزی هزینه سفر کاروان را مبلغ یکصد و بیست هزار دینار در سال عنوان کرده، لیکن ضمن شرح قسمت‌های مختلف این هزینه تنها به مبلغ یکصد و ده هزار دینار آن بسنده کرده است که در این میان روشن نیست ده هزار دینار باقی مانده صرف چه اموری می‌شده است؟

اما هزینه‌ای که به هنگام سفر محمل

بسیاری از بیماری‌ها است. این اعتقاد پوچ و بی‌اساس موجب شده بود که مردم در این هنگام، برای دراختیار گرفتن مقداری از گوشت شتر یاد شده، آن‌چنان بدان حمله‌ور شوند که گاه پیش از آن‌که حیوان را ذبح نمایند، قسمت‌هایی از بدن آن را قطعه‌قطعه کرده، هر کدام قسمتی را از آن خویش می‌کردند! چه بسیار حوادث هولناک جسمی که در این مرحله به وقوع نمی‌پیوست.

به همین منظور خدیو «عباس حلمی پاشای دوم» فرمان به ابطال این سنت ناپسند داد و هزینه خرید شتر یادشده را در اختیار تهیدستان قرار داد.<sup>۴</sup>

### هزینه سفر محمل

هزینه سفر محمل که شامل حقوق و دیگر مخارج بود، همواره از سالی به سال دیگر و دورانی به دوران دیگر تغییر می‌کرد و بنا بر وضعیت اقتصادی زمان. نوساناتی را به همراه داشت. در این جا به‌عنوان مثال هزینه سفر محمل در دوران فاطمیان و نیز مبلغ خرج شده به هنگام سفر محمل در سال ۱۳۲۸ ه.ق. / ۱۹۱۰ م را می‌آوریم:

مقدار هزینه آن در دوران فاطمیان،

در سال ۱۳۲۸ ه.ق. / ۱۹۱۰ م - همان معادل ۵۰ هزار جنیه مصری بوده که سالی که خدیو «عباس حلمی دوم» به نحوه تقسیم آن به این صورت است: سفر حج مشرف گردید - صرف شده،

مورد هزینه شده	مبلغ به جنیه
حقوق امیرالحاج و کارمندان محمل	۱۲۸۲
حقوق اعراب	۲۵۱۱
حقوق و مستمری اشراف مکه مکرمه و مدینه منوره	۱۴۹۳
حقوق تکیه مکه مکرمه	۱۹۶۱
حقوق تکیه مدینه منوره	۱۶۵۷
حقوق اهالی مکه و مدینه	۲۸۷۹
حقوقی که سالانه برای مکه و مدینه، از سوی اوقاف حرمین و اوقاف خصوصی و مردمی و خیریه و نیز از سوی اوقاف خدیوی و مالیه (= دارایی) هزینه می شد	۳۰۰۰
هزینه گندم‌های مصرفی صدقه در مکه و مدینه	۲۲۵۰۰
هزینه شمع و قندیل‌های حرمین شریفین	۱۶۲۹
هزینه چادرها و ظرف‌ها و جز این‌ها	۱۵۵
هزینه حمل و نقل بری و بحری و دستمزد ساریان‌ها	۴۲۴۸
هزینه روغن و حصیرها و جز این‌ها که سالانه برای حرمین شریفین از سوی دیوان اوقاف ارسال می گردید	۶۴۲۰
هزینه‌های متفرقه	۲۶۵
مجموع هزینه‌های صرف شده در سال (۱۳۲۸ ه.ق.)	۵۰۰۰۰

کاروان محمل که جامه کعبه شریف با آن ارسال می شد - با قطع نظر از بدعت‌هایی که به هنگام حرکت آن به وجود آورده بودند که با مذهب سازگاری نداشت - در نظر افراد دست‌اندرکار، حرکت آن، خود رمزی برای امنیت حاجیان به شمار می آمد؛ زیرا به علت همراهی جامه کعبه با آن، سربازان



برداشته شد؛ همچنان که حرکت جامه در خیابان‌های قاهره نیز القا گردید و تنها به هنگام حرکت جامه از قاهره مراسم جشنی در مسجدالحسین علیه السلام برپا می‌گردید.

### مراسم جشن سالانه جامه کعبه

در آغاز باید گفت که مراسم جشن جامه کعبه شریف، همواره به دنبال مراسم ویژه‌ای بود که به هنگام حرکت کاروان محمل صورت می‌گرفت و هیچ‌گاه مراسم خاصی به عنوان جشن جامه و یا جشن همراهان کاروان به تنهایی برگزار نمی‌شد؛ زیرا رسم بر این بود که جامه به همراه محمل به حرکت درمی‌آمد و در نتیجه مراسم جشن نیز در یک زمان برای هر دو برگزار می‌گردید. تاریخ‌نگاران از این مراسم، در دوران گذشته به طور مشروح یاد نکرده‌اند و تنها برخی از آنان درباره مراسم یاد شده در دوران‌های اخیر، به‌ویژه در دوران ایوبیان، به‌صورتی بسیار گذرا و اجمالی مطالبی آورده‌اند و آن هنگامی بوده است که «شجرة الدر» برای انجام مراسم حج، به همراه کاروان محمل در سال ۶۴۵ هـ. ق. مصر را ترک کرد. بیشتر مورخان تنها

مسلحی با کاروان به حرکت درمی‌آمدند که خود موجب تأمین امنیت کاروان از دستبرد دزدان و متجاوزان در میان راه به‌ویژه هجوم اعراب به حاجیان و قتل و غارت آنان می‌گردید.

کاروان محمل همچنان تا موسم سال ۱۳۴۴ هـ. ق. به هنگام حرکت خود با برپایی مراسم جشن و حرکت در میان خیابان‌های قاهره، رو به سوی سرزمین‌های مقدس می‌گذشت و سپس به همراه کاروان حاجیان به جایگاه نخستین خود بازمی‌گشت تا این که در سال یاد شده مصر به مدت ده سال از ارسال جامه خودداری کرد - همان‌طور که پیش‌تر گفتیم - سپس دولت مصر با توافقی که با دولت سعودی در سال ۱۳۵۵ هـ. ق. به عمل آورد، مقرر گردید که جامه به همراه محمل تا جده آورده شود و سپس در این نقطه مستقر شده، به سرزمین حجاز وارد نشود. مدتی پس از آن سفر محمل به کشور عربستان نیز از سوی دولت سعودی لغو گردید و بدین ترتیب محمل تنها در زمان برپایی جشن ارسال جامه کعبه در قاهره با آن به حرکت درمی‌آمد و در پایان، در سال ۱۳۷۲ هـ. ق. / ۱۹۵۳م محمل به‌طور کلی از میان

فروشگاه‌های مسیر ندا می‌دهند که مکان‌های خود را برای حرکت محمل آرایش و تزیین نمایند. این گردش محمل معمولاً در روزهای دوشنبه یا پنج‌شنبه انجام می‌گیرد و هیچ‌گاه تغییرپذیر نیست. محمل در حالی که به وسیلهٔ پردهٔ ابریشم زردی پوشانیده می‌شود، بر شتری آراسته از خرگاه حرکت می‌کند.

بر بالای محمل قبه‌ای از نقرهٔ مطلقاً است. محمل در شب حرکت خود در درون «باب‌النصر» و در نزدیکی در «جامع‌الحاکم» به بیتوته می‌پردازد و سپس در روز بعد، بار دیگر بر روی شتر یادشده به سوی پایین «قلعه» به حرکت درمی‌آید. در پیشاپیش کاروان محمل، وزیر، قضات چهارگانه، حسابدار، شهود، ناظر جامه و جز این‌ها حرکت می‌کنند...

بار دوم محمل را در نیمهٔ شوال به گردش درمی‌آورند، لیکن این بار آن را از کنار قلعه به «باب‌النصر» آورده، سپس به سوی «الریدانیه» برای حرکت به سوی سرزمین‌های مقدس حمل می‌کنند.

با بیان این مطلب، روشن می‌شود که جشن ارسال جامه و خروج محمل در

اشاره‌ای گذرا به جشن خروج کاروان محمل در هر سال کرده و به ذکر جزئیات این مراسم پرداخته‌اند.

در این جا شایسته است مطالبی دربارهٔ مراسم جشن جامه در دوران مختلف بیاوریم:

### الف - جشن جامه در دوران ممالیک

قلقشندی (متوفای سال ۸۲۱ ه. ق.) به ذکر جزئیات مراسم جشن جامه در دوران ممالیک پرداخته و چگونگی برپایی مراسم جشن و حرکت کاروان محمل در خیابان‌های قاهره و شرکت تمامی مردم و شخصیت‌های بزرگ دولتی در آن را به تصویر کشیده است. قلقشندی شرکت گروه‌های اسب‌سوار ممالیک و نمایش نظامی آنان و نیز فرقه‌های موسیقی مملوکی در این جشن را عاملی برای هیجان و زیبایی جشن یادشده دانسته است.

قلقشندی می‌نویسد:

«گردش محمل معمولاً در سال دوبار انجام می‌گیرد؛ نخستین بار پس از گذشت نیمی از ماه رجب، محمل را به خیابان‌ها می‌آورند و منادیان از سه روز پیش به تمامی مغازه‌ها و



حج سال ۹۲۳ ه. ق. - که نخستین سال ارسال جامه کعبه شریفه از سوی عثمانیان، پس از تسلط آنان بر مصر و شام بوده است - توصیف زیبایی را به رشته تحریر درآورده و گفته است:

«این مراسم آن چنان گسترده و سنگین بود که مصر تا آن هنگام چنین مراسمی را به خود ندیده بود. شاید پیروزی عثمانیان بر مصر و شام و از میان برداشتن دولت ممالیک چرکس و دست یابی آنان به شرف خدمت حرمین شریفین، در پس این مراسم جشن باشکوه خودنمایی می کرد. در آن سال (۹۲۳ ه. ق.) سه جشن باشکوه برای جامه و محمل برپا شد که این سه جشن، جدا از مراسم جشن ویژه ای بود که به هنگام اقامت سلطان سلیم و پیش از حرکت وی به استانبول، در روز ۲۳ شعبان سال ۹۲۳ ه. ق. اقامه گردید، که در آن، قطعه های گوناگون جامه را به نمایش عموم گذاشتند.

در مراسم جشن نخستین، هنگام برگزاری جشن سنگین، قطعه های جامه را در خیابان های قاهره، در معرض نمایش همگان قرار دادند و از آن پس، بالای قلعه رفته و جامه را در معرض دید

دوران ممالیک، تنها به گردش محمل در خیابان های قاهره و حرکت بزرگانی از شخصیت های مملکتی و دولتی به دنبال آن و نیز به نمایش گذاشتن برخی بازی ها از سوی اسب سواران مملوکی به همراه طبل زدن و صدای موزیک سلطانی و تقسیم خلعت بر بزرگانی از شخصیت ها به میمنت این مناسبت، بسنده می کردند.

**گفتنی است که قلقتندی در توصیف مراسم جشن یادشده، هیچ اشاره ای نسبت به نمایش گذاشتن قطعه های جامه کعبه ننموده، بلکه تنها به ذکر حضور ناظر جامه در این جشن و حرکت او به همراه سایر بزرگان مملکتی در پیشاپیش کاروان بسنده کرده است. این مطلب نشان دهنده آن است که جامه به همراه کاروان محمل در این هیئت وجود داشته است.**

## ب - مراسم جشن جامه در دوران عثمانی

وقتی یک قرن از مراسم جشن جامه در دوران ممالیک و در عصر قلقتندی می گذریم، به زمان ابن ایاس می رسیم که وی نیز در مراسم جشن خروج جامه به همراه محمل در موسم

«خایربک» نایب السلطنه در مصر گذاشتند. جشن دوم را پس از گذشت یک هفته، با به حرکت درآوردن جامه در کاروانی آراسته و زیبا به خیابان‌های قاهره آوردند و به سوی «الریدانیه»، محلّ تجمع حاجیان حرکت کردند.

جشن سوم هنگامی بود که حاجیان همگی در محلی گردآمدند و کاروان محمل و جامه، در شکوهی خاص، خیابان‌های قاهره را طی کرد، در حالی که امرا و اعیان و سربازان و طبّال‌ها و نی‌لبک‌زن‌ها در پیشاپیش و پیرامون آن، هیئتی زیبا و دلربا را به وجود آورده بودند. از آن پس، کاروان راهی سرزمین‌های مقدس گردید.

### ج - مراسم جشن جامه کعبه در دوران جدید:

مراسم جشن جامه کعبه، هر سال، نسبت به سال پیشین، پرشکوه‌تر و عظیم‌تر شد، تا آن جا که می‌بینیم در اوایل قرن چهاردهم هجری، این مراسم به درجه‌ای بس والا از نظر نظم و آراستگی می‌رسد. سرلشکر ابراهیم رفعت پاشا - که در آغاز سمت فرماندهی پاسداران محمل را داشته و سپس چندین بار

به‌عنوان امیرالحاج، همراه کاروان محمل بوده است - این مراسم را به صورت روشن و واضح، از آغاز حرکت کاروان در قاهره تا رسیدن محمل و جامه به سرزمین‌های مقدس، توصیف کرده است که برای نمونه، مطالبی درباره جشن جامه در موسم حج سال ۱۳۱۸ ه.ق. / ۱۹۰۱م را که در دوران خدیو عباس حلمی دوم روی داد، می‌آوریم:

«در روز بیست و هفتم شوال، جامه مبارک کعبه، پس از آن که در صندوق‌های مخصوص حمل قرار گرفت، از جایگاه نخستین خود در وزارت مالیه (= دارایی) همانند رسم همیشگی، به سوی «جمالیه» حرکت داده شد. در همین هنگام قسمتی از جامه به همراه کمربندهای ابریشمی آن، که به وسیله نخ‌های نقره‌ای و طلائی مزین به آیات قرآن گردیده بود، از کارگاه خود در «خَرْنُقُش» بر روی جایگاه سنگی (= المصطبه) در میدان «صلاح‌الدین» که معروف به «میدان قلعه» یا «میدان محمدعلی» بوده، منتقل گردید.

در عصر روز یاد شده، با حمل پرده مقام حضرت ابراهیم علیه السلام و باقی‌مانده جامه کعبه مشرفه، از کارگاه خود در



مسگرها (= نحاسین) دروازه زویله (بوابة المتوالی) - در احمر - تبانه - محجز روان شدند و در پایان به میدان صلاح الدین وارد گشتند. در این مکان، مراسم جشن برپا شد. محمل به همراه جامه کعبه در مقابل جایگاه و سالن استقبال و پرده مقام در میانه آن قرار داده شد. پیرامون پرده مقام، مزین به قطعه‌هایی از جامه کعبه و نوارهای طلایی آن گردید. همچنین کیسه کلید کعبه و پرده در کعبه و باب التوبه نیز در کنار آن به طرز زیبایی در معرض نمایش قرار داده شد. در اطراف پرده مقام، چهار شمعدان نقره‌ای را که از مسجد قلعه آورده بودند، قرار دادند.

در اتافی که در سمت غربی سالن پذیرایی قرار داشت، چهار قطعه نوشته‌دار (کرداشیات) به دیوارهای آن آویزان گردید.

آن شب، شهر، خواب به چشم خود راه نداد و مردمان همگی شب را به بیداری و شب‌زنده‌داری گذراندند؛ نخست گروهی به تلاوت آیاتی از قرآن کریم مشغول شدند و پس از آن گروهی دیگر سرودهای مذهبی اجرا کردند. آن شب علمای بزرگ کشور و بزرگان و

خرنفش که به سوی میدان صلاح الدین سابق به حرکت درآمده بود، جشن آغاز گردید.

جامه بر روی شانه کارگران، در حالی که گروهی از نظامیان به صورت پیاده و سواره در پیشاپیش آن و گروه موزیک به دنبال آنان می‌رفتند، به سوی میدان یادشده در حرکت بود. در پیشاپیش کاروان رییس کارگاه جامه (= مأمور جامه) با لباس‌های ویژه، سوار بر اسب، در حالی که بر روی دستان خود، کیسه مخصوص کلید در کعبه قرار داده بود، با وقاری خاص در حرکت بود و هرازگاهی ندای ورود جامه کعبه و پرده مقام ابراهیم خلیل علیه السلام را به پیشوازکنندگان می‌رساند. این کاروان با کیفیت یادشده از کارگاه خود به سوی منطقه «سقاخانه کتخدا»، در نزدیکی بازار مسگرها، در حرکت بود. در این مکان این گروه با کاروان حامل جامه اصلی کعبه در حالی که پوشش سبزرنگ معمول بر روی آن افتاده و به وسیله شتر حمل می‌شد و از «وکالت السنت» در جمالیه حرکت کرده بود، برخورد نمود.

کاروان دوم در پی کاروان پرده مقام به حرکت خود ادامه داده، به سوی بازار

گروه موزیک هم در این هنگام سه بار به او ادای احترام نمود که پس از هر بار، افسران و ارتشیان حاضر در صحنه، غریب «أَفَنَدِمِزْ جُوقِ يَاشَا»؛ «زننده باد اعلیٰ حضرت» را سر دادند و خدیو و همراهان هربار با بلندکردن دست‌های خود، بدانان پاسخ می‌دادند، پس از آن در تالار تشریفات، مدتی را به استراحت و تماشای کاروان محمل که شامل هفت تخت روان بود، گذراندند. در این هنگام مدیر کارگاه جامه، در حالی که افسار شتر کاروان محمل را در دست داشت، پیش آمد و آن را به خدیو تقدیم نمود. وی پس از در دست گرفتن و بوسیدن افسار، آن را به قاضی القضاة مصر تحویل داد. قاضی القضاة نیز آن را بوسید و عده‌ای از حاضران هم پس از آن، افسار را بوسیدند و مجدداً به شخصی که مأمور بردن محمل به همراه کاروان بود و در برابر مسجد محمودیه در میدان «ریشما» انتظار تحویل گرفتن را داشت، تحویل داده شد.

سپس جامه، که توسط نگهبانان حضرت خدیو حمل می‌شد، از برابر خدیو و وزیران و بزرگانی که در ایوان سالن تشریفات ایستاده بودند، عبور داده

اعیان شهر جهت احیا و شب‌زنده‌داری دعوت شده بودند. گروهی را پیش از غروب آفتاب برای صرف شام و گروهی دیگر را برای شب‌زنده‌داری پس از نماز عشا دعوت کرده بودند.

در این ضیافت، همچنین از مشایخ طرُق صوفیه که شامل «رفاعیّه»، «سعدیّه»، «احمدیّه»، «ابراهیمیّه»، «بیومیّه»، «قادریه» و «شاذلیّه» بودند، جهت حرکت در پیشاپیش کاروان جامه کعبه و احیای این شب دعوت به عمل آمده بود.

در این مراسم، حدود یکصد جنبهٔ مصری خرج شد که تا پاسی از نیمه‌های شب ادامه داشت، سپس جامه‌های موجود در سالن و اتاق و پردهٔ مقام، همگی جمع‌آوری گردید و به همراه محمل، در برابر سالن تشریفات قرار داده شد. در بامداد آن شب (۲۷ شوال) جشن بسیار باشکوهی در میدان صلاح‌الدین برگزار گردید. در این مراسم اعلیٰ حضرت خدیو عباس حلمی دوم، وزیران و علما و بزرگان مملکتی حضور داشتند و به افتخار ورود حضرت خدیو، در هنگام تشریف فرمایی‌اش، بیست و یک گلولهٔ توپ شلیک شد.





قسمت‌های مختلف جامه کعبه را تسلیم مأمور محل می‌نماید. در این شهادت‌نامه تمامی قطعه‌های جامه و وصف دقیق آن‌ها و نیز مقدار تارهای نقره‌ای و مطلائی آیین شده بر آن را به همراه سایر لوازم جامه؛ از قبیل طناب‌ها و گلاب و جز این‌ها مشخص و معین می‌نماید. آنگاه قطعه‌های جامه در صندوق‌های ویژه خود قرار داده شده و از این پس برعهده مأمور محمل است که کلیه قطعات یادشده را تسلیم بزرگ شیبیان و کلیددار کعبه مشرفه در مکه مکرمه نموده و در برابر آن یادداشت تسلیم از او دریافت نماید.

همچنانکه به همین صورت شهادت‌نامه شرعی دیگری به هنگام تسلیم خزانه به خزانه‌دار، در حضور ناظر مالی و امیرالحاج و خزانه‌دار و صراف و منشی مخصوص وی و نیز دو بازرس از سوی وزارت مالیه (= دارایی) نوشته می‌شد.

اما محمل از مسجدالحسین به کارگاه جامه در «خرنفش» انتقال داده شد و تا فردای روز جشن، آغاز مسافرت محمل به سوی سرزمین حجاز، در آن مکان باقی خواهند ماند.

شد و به‌نظر جمع یاد شده رسید. در این لحظه، مراسم سان ارتش آغاز گردید که در پایان آن و پس از شلیک بیست و یک گلوله توپ، ختم مراسم اعلام شد. خدیو و همراهان، در این لحظه میدان را ترک کردند و کاروان در حالی که توسط نیروهای ارتشی و نظامی و بزرگان و مشایخ صوفیه همراهی می‌شد، به سوی مسجدالحسین علیه السلام به حرکت درآمد. در مسجد که امیرالحاج و خزانه‌دار، قبل از ورود کاروان به محل یادشده رفته بودند، از جامه‌ها استقبال کردند و پس از آن جامه به وسیله خیاطان به هم دوخته شد. در این هنگام جامه کعبه به همراه پرده مقام، در صندوق‌های مخصوص خود قرار داده شد و جهت حرکت به سرزمین‌های مقدسه، به عباسیه منتقل گردید.<sup>۶</sup>

لازم به تذکر است که -پیش از آن‌که جامه‌ها در صندوق‌های ویژه خود قرار داده شوند- شهادت‌نامه شرعی تسلیم قسمت‌های گوناگون جامه کعبه شریفه در حضور قاضی و دو منشی دادگاه و امیرالحاج و خزانه‌دار تنظیم می‌گردد. این شهادت‌نامه در مسجدالحسین علیه السلام نوشته شده که در این هنگام مأمور جامه، تمامی

در پگاه روز بعد، محمل از راه سوق السَّلاح به میدان صلاح‌الدین آورده شد و در صبح روز ۱۳ ذی‌القعدة بار دیگر مراسم جشن دیگری، نظیر جشن پیشین برپا گردید.

در این مراسم، عبدالله فائق‌بک، مدیر کارگاه جامه، زمام محمل را به دست خدیو سپرد که او نیز آن را به دست امیرالحاج داد و امیرالحاج کاروان را، در حالی که به وسیله نیروهای ارتشی و نظامی و بزرگان و مشایخ طرق صوفیه همراهی می‌شد، به سوی عباسیه هدایت نمود. از این محل، کاروان یادشده به همراه جامه کعبه و پرده مقام. همچنین شیشه‌های عطر و پارچه‌های مخصوص شستشوی کعبه، سفر خود را به سوئز و سپس مکه مکرمه آغاز می‌کنند.<sup>۷</sup> و بدین‌گونه مراسم جشن حرکت کاروان محمل و جامه در موسم حج سال ۱۳۱۸ ه. ق. / ۱۹۰۱ م به پایان رسید. در سال‌های اخیر و پیش از الغای محمل در سال ۱۳۷۲ ه. ق. / ۱۹۵۳ م، مراسم جشن جامه و محمل همانند پیش و با همان نظم و ترتیب صورت می‌گرفت که در این میان تنها برخی تغییرات در اجرای مراسم یادشده به چشم می‌خورد که این

تغییرات تنها به جهت تغییر مکان جشن بود؛ زیرا در این هنگام محل آغاز مراسم به «میدان الخفیر» در عباسیه انتقال یافته بود و این مکان جایگاه رسمی برای مراسم جشن سالیانه تعیین گردیده بود. همه‌ساله به هنگام آغاز مراسم، سراپرده‌های وسیعی در برابر این جایگاه برپا می‌شد که در میانه آن جشن برپا شده و قسمت‌های مختلف جامه کعبه شریفه در معرض دید همگان قرار می‌گرفت. در دوران اخیر، ایستگاه «کوبری الیمون» جایگزین ایستگاه «عباسیه» گردید که کاروان محمل و جامه از این ایستگاه به قطار اختصاصی خود منتقل می‌شد و به سوی سرزمین حجاز به راه می‌افتاد.

پس از لغو محمل و برجیده شدن مراسم حرکت جامه در خیابان‌های قاهره در سال ۱۳۷۲ ه. ق. تنها مراسم ویژه‌ای جهت جامه کعبه مشرفه در مسجدالحسین رضی الله عنه برگزار می‌گردید.<sup>۸</sup>

#### د) حرکت محمل به همراه جامه از قاهره به مکه مکرمه

ابراهیم رفعت پاشا حرکت کاروان محمل به همراه جامه، در موسم حج سال ۱۳۱۸ ه. ق. را این‌گونه توصیف کرده است:



طبل و شیپورهای سنتی و محلی در انتظار ورود محمل ایستاده بودند.

از سنت‌های مردم این بود که کودکان شیرخوار خود را به ایستگاه می‌آوردند و با دیدن محمل و دست کشیدن بر آن، خود و بچه‌های خویش را بدان متبرک می‌کردند.

گروهی که نمی‌توانستند دست خود را به محمل برسانند، پارچه‌هایی را که درون آن پول و یا مواد غذایی، مانند گوشت سفید و نان قندی قرار داده شده بود، به سوی کارگران محمل پرتاب می‌کردند. آنان نیز پس از برداشتن محتویات آن و کشیدن پارچه بر روی محمل، آن را به سوی صاحبانش باز می‌گرداندند. هنگام رسیدن محمل به سوئز، استقبال رسمی از آن به عمل آمده و استاندار و کارمندان همگی در انتظار ورود محمل بر روی سکو ایستاده بودند. در این هنگام بیست و یک گلوله توپ شلیک شد و گروه موزیک سلام خدیوی را نواخت و مردم شعارهای معمول خود را پس از آن سر دادند. در این لحظه استاندار پیش آمد و به امیرالحاج و خزانه‌دار خیر مقدم گفت و مراسم جشن کاروان آغاز گردید.

چند روز پیش از سفر کاروان محمل و جامه از قاهره به جانب سوئز، اداره راه آهن، طی دعوتی که از امیرالحاج نموده بود، از روی اطلاعاتی درباره تعداد و نیازهای کاروان از واگن‌های باربری و مسافربری قطار جهت انتقال کالاها و مسافران و پاسداران و خدمتگزاران آن به دست آورد.

در شب پانزدهم ذی القعدة، قطار باربری حامل وسایل کالاها، که شامل جامه‌های کعبه و مقام و دیگر وسائل وابسته به آن و اثاثیه مسافران همراه کاروان محمل از سربازان، ساربانان و زنبورکچی‌ها و خدمتکاران و سقاها بود، از ایستگاه عباسیه حرکت کرد. در بامداد پانزدهم ذی القعدة، قطار حامل محمل امیر کارمندان و گروهی از نگهبانان و وابستگان آنان از افراد شهری، به حرکت درآمد. این قطار در مسیر خود به سوئز، از ایستگاه‌های «قاهره»، «طوخ»، «نبها»، «زقازیق»، «ابی جماد»، «نفیسه»، «اسماعیلیه»، و «فاید» گذشته و در هر کدام دقایقی را توقف کرد. در ایستگاه‌های یاد شده، تمامی ساکنان و بزرگان و علمای طریقت‌های مختلف صوفیه و دانش‌آموزان پسر و دختر با

دستور سوار شدن حاجیان و نگهبانان بر کشتی یاد شده را صادر کردند.

در جده مراسم جشنی به مناسبت ورود محمل به آن، به صورت رسمی برگزار گردید. در این جشن، سربازان دولت علیه عثمانی به همراه گروه موزیک، دو ردیف مقابل هم تشکیل دادند که این گروه شامل ۴۰۰ نفر سربازان نظامی و ۲۰۰ نفر غیر نظامی بودند.

محمل در میان دو صف یاد شده به حرکت در آمد، در حالی که پیشاپیش آن امیر و خزانه دار و نگهبانان قرار داشتند. سپس طبق سنت همه ساله به خیابان‌های شهر وارد شده و روز پر جنب و جوش و تماشایی را برای مردم جده آفریدند. تمامی افسران و کارمندان عالی رتبه با لباس‌های رسمی خود و گروه موزیک دولتی عثمانی - که تعداد آنان هشتاد نفر بود - با زدن مارش‌های زیبا و نغمه‌های هیجان آور، شادی و شکوه ویژه‌ای به کاروان داده بود. مراسم جشن، با بازگشت محمل به جایگاه خود، اجرای مراسم سلام سلطانی و سلام خدیوی و دعا به طول عمر و عزت آنان، به پایان رسید.

در روز بیست و سوم ذی القعدة،

نگهبانان محمل و نیروهای انتظامی، صفی در دو ردیف در برابر هم تشکیل دادند آنگاه محمل را در میان دو صف یاد شده قرار دادند و تمامی کاروان در حالی که امیر الحاج در جلو و در سمت راست او استاندار و سمت چپش خزانه دار و سایر مردم و مشایخ صوفیه نیز به دنبال آنان بود، به حرکت در آمد. کاروان خیابان‌های شهر را طی کرد و در این لحظه نگهبانان محمل در پاسخ خیر مقدم، بیست و یک گلوله توپ شلیک نمودند و با اجرای مراسم سلام خدیوی، جشن به پایان رسید. آنگاه محمل در واگن‌های ویژه خود قرار گرفتند و قطار به سوی لنگرگاه سوئز، به حرکت درآمد.

در بامداد روز شانزدهم ذی القعدة، تمامی وسایل و جامه‌ها و محمل بر روی کشتی مخصوص انتقال محمل و همراهان آن قرار گرفت و به سوی جده بارگیری شد.

استاندار به همراه نماینده‌ای از شرکت کشتیرانی خدیوی و رییس نگهبانان، به درون کشتی رفتند و پس از بازرسی کامل آن و اطمینان از پنهان نشدن اشخاصی که دارای گذرنامه نبودند،



کاروان محمل، جده را به مکه مکرمه ترک کرد و در صبح روز ۲۵ ذی القعدة به مکه وارد شد. در مکه مکرمه، جامه پس از تنظیم شهادت نامه شرعی در حضور علما و بزرگان، در اختیار بزرگ پرده دار کعبه مشرفه، از آل شیبی، قرار می‌گرفت و تا صبح روز نحر (=عید قربان) در خانه او به ودیعت نگه داری می‌شد. آنگاه در روز یاد شده بر دوش مردان به سوی کعبه مکرمه حمل شده و پس از برداشته شدن جامه پیشین از روی آن و شستن کعبه به وسیله گلاب که در این حال معمولاً مسجد الحرام به علت حرکت مردم به سوی منا خالی از جمعیت بوده و تنها تعداد اندکی در مکه باقی می‌مانند، بر کعبه قرار داده می‌شد.<sup>۹</sup>

#### ه) مراسم جشن جامه در مکه مکرمه:

با بررسی‌های دقیقی که این جانب در میان نوشته‌های تاریخ نگاران جامه و رسیدن آن به مکه مکرمه پیش از دوران جدید نموده‌ام، هیچ گونه اشاره‌ای به برگزاری جشن رسمی به هنگام ورود جامه کعبه مشرفه به مکه مکرمه همانند جشن‌هایی که در قاهره در طی قرن‌های متوالی برگزار می‌گردید، برخوردار نکردم.

البته لازم به تذکر است که در میان این نوشته‌ها، گاه به برخی کاروان‌های حامل جامه کعبه مکرمه و چگونگی آراستگی آن اشاره گردیده است که در این میان این گونه مراسم تنها برای تجلیل و قدردانی از برخی خلفا یا سلاطینی بوده است که جامه را ارسال نموده بودند. به عنوان مثال ابن جبیر در سفرنامه خود به هنگام وصف جامه ارسالی از سوی امیر عراقی به کعبه مکرمه در سال ۵۷۹ هـ و در دوران خلیفه «الناصر لدین الله عباسی» این چنین می‌گوید: «در روز شنبه، که یوم النحر (=عید قربان) بود، جامه کعبه مقدسه از اردوگاه امیر عراقی بر روی چهار شتر به سوی مکه به حرکت درآمد. این کاروان در حالی بود که قاضی تازه تعیین شده در پیشاپیش جامه سیاه ارسالی خلیفه در حرکت بود و پرچم‌ها بر بالای سر او به اهتزاز درآمده و طبل‌ها در پس او در فضا طنین می‌افکندند...»<sup>۱۰</sup>

فاسی نیز در دوران ممالیک از این مراسم یاد کرده و چگونگی حرکت امیر الحاج مصری در هیئت کاروانی را برای قرار دادن جامه به کعبه معظمه توصیف کرده و می‌گوید: «در این دوران (دوران فاسی متوفای سال ۸۳۲ هـ) حدود چهار

خارج ساخته و آن را در فضای مسجد در سمت یمانی گسترانیده و سپس جامه هر بخش را مشخص نموده آنگاه دستیاران امیر به همراه پرده داران آن را به بالای کعبه برده و پس از کامل کردن آن، همانند پیش، آن را بر کعبه آویزان می‌کردند.<sup>۱۲</sup>

سبال است که جامه کعبه را در روز نحر (=عید قربان) از منا حرکت نمی‌دهند، بلکه امیر الحاج مصری به همراه پرچم‌ها، پای کوبان در حالی که شیپورها به همراه آنان دمیده می‌شد به درون مسجد آمده و در این هنگام جامه را از درون کعبه<sup>۱۱</sup>

### پی‌نوشتها:

۱. بتونی، الرحلة الحجازیه، ص ۱۴۰.
۲. هر قنطار برابر ۴۴/۹۳ کیلوگرم است، «مترجم».
۳. صاحب‌گربه‌ها.
۴. بتونی، الرحلة الحجازیه، صص ۱۴۶ - ۱۴۴.
۵. بتونی، الرحلة الحجازیه، صص ۱۴۳ و ۱۴۴.
۶. مرآة الحرمین، ج ۱، صص ۱۱ - ۹.
۷. ابراهیم رفعت، مرآة الحرمین، ج ۱، صص ۱۱ و ۱۲.
۸. اسناد و مدارک «دارالکسوة الشریفه» در قاهره، مراسم جشن خروج محمل و جامه.
۹. ابراهیم رفعت: مرآة الحرمین، ج ۱، صص ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۰، ۲۴ و بتونی، الرحلة الحجازیه، صص ۱۳۸ و ۱۳۹.
۱۰. ابن جبیر، الرحله، صص ۱۴۰ و ۱۴۱.
۱۱. این جامه به وسیله شخص امیر یاد شده از مصر آورده شده بود که پیش از حرکت به منا از بیم سرقت آن را در درون کعبه قرار داده بود. پیش از این سنت این چنین بود که امیر الحاج مصری به همراه جامه به منا حرکت کرده و در روز نحر آن را به مکه آورده و بر کعبه مشرفه قرار می‌داد لیکن بر اثر حادثه‌ای که در یکی از سال‌ها در منا اتفاق افتاد، قطعه‌هایی از جامه در هنگام اقامت آنان در منا به سرقت رفت که در آن هنگام امیر اموال فراوانی را برای به دست آوردن مجدد آن صرف نمود. از این پس به امرای حج توصیه گردید که جامه را به هنگام رسیدن به مکه مکرمه و پیش از عزیمت به منا و عرفات در درون کعبه قرار دهند و سپس در روز نحر در هیئت کاروانی به سوی مکه سرازیر شده و آن را بر روی کعبه مکرمه قرار دهند. (نظر افکنید به شفاء الغرام ج ۱، ص ۱۲۵).
۱۲. فاسی: شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۵.